

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی اللہ علی محمد وآلہ الطاہرین

مطالعات قرآن و حدیث

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث

سال ششم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سر دبیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی استاد دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عبدالهادی فقهی زاده دانشیار دانشگاه تهران
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

دوفصلنامه «مطالعات قرآن و حدیث» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ و طی نامه شماره ۳/۱۸۱۷۲۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از شماره ۹ موفق به اخذ اعتبار علمی - پژوهشی شده است و مقالات آن در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
www.sid.ir پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.magiran.com بانک اطلاعات نشریات کشور

ویراستار انگلیسی: دکتر محمود کریمی / ویراستار عربی: دکتر محمدجواد صادقی مجید

۲۰۴ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.sadiqjournals.ir>

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: mag@isu.ac.ir

مبانی فهم حدیث از دیدگاه شیخ حر عاملی با تأکید بر کتاب «الفوائد الطوسیه»

علی محمد میر جلیلی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۹

چکیده

در راه فهم روایات نیاز به روش صحیح علمی وجود دارد که آن را فقه الحدیث می‌نامیم. فهم متون احادیث، بدون توجه به مبانی مورد نیاز، امکان برداشت غلط و انحراف را در پی خواهد داشت. برای پرهیز از این خطر، تلاش‌های زیادی توسط عالمان اسلامی برای تدوین قواعد و مبانی فهم صحیح از قرآن و روایات صورت گرفت که علم اصول فقه، حاصل بخشی از این تلاش‌هاست. بسیاری از بزرگان حدیث نیز در شرح‌هایی که بر مجموعه‌های روایی نگاشته‌اند، روش و قواعدی به کار برده‌اند که استخراج آن‌ها می‌تواند ما را با شیوه، ضوابط و مبانی فقه الحدیث آشنا سازد. یکی از این کتب، کتاب «الفوائد الطوسیه» از شیخ حر عاملی است.

این کتاب با عنایت به شخصیت علمی مؤلف و تبیین و توضیح روایات مشکل، اهمیت ویژه‌ای دارد و در آن، نکات و تحقیقات و دقت‌ها و نیز جواب شبهات و مغالطاتی وجود دارد که در کتب دیگر کمتر یافت می‌شود. در این مقاله، مبانی شیخ حر در راستای فهم حدیث با مطالعه این کتاب به روش تحلیلی - توصیفی استخراج و تبیین گردیده است. برخی از این مبانی عبارت‌اند از: اثبات متن، اطمینان از صحت روایت، تثبیت متن (رفع اضطراب از روایت مضطرب)، تشکیل خانواده حدیث، شناخت مفهوم واژه‌های موجود در روایت، شناخت سبب و شرایط و مورد صدور حدیث، توجه به سیاق روایت، شناخت پیام ضرب المثل‌های موجود در متن، حل تعارض بین روایات متعارض، توجه به قرآن و روایات دیگر.

واژگان کلیدی

حدیث، فقه الحدیث، حر عاملی، الفوائد الطوسیه.

طرح مسئله

فقه‌الحدیث واژه‌ای است که از ترکیب دو کلمه فقه و حدیث تشکیل شده است. مراد از فقه همان معنای لغوی آن یعنی فهم (جوهری، ۱۹۹۰م، ج ۶، ص ۲۲۴۳) است و مراد از حدیث معنای اصطلاحی آن است یعنی کلامی که از قول یا فعل یا تقریر معصوم حکایت کند. فقه‌الحدیث علمی است که علاوه بر شرح لغات حدیث در صدد فهم معنای صحیح و عمیق و استنباط مطالبی جدید از حدیث است. در این علم از اطلاق و تقیید و عموم و خصوص و داشتن معارض و ... در مورد حدیث بحث می‌شود (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۲).

علمای اسلام در شرح‌هایی که بر مجموعه‌های روایی نگاشته‌اند، روش و قواعدی بکار برده‌اند که استخراج آن‌ها می‌تواند ما را با شیوه‌ها و ضوابط فقه‌الحدیث آشنا سازد. یکی از این کتب کتاب «الفوائد الطوسیه» از شیخ حر عاملی است که با توجه به آنکه به تبیین و توضیح روایات مشکل پرداخته، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این کتاب، نکات و تحقیقات و دقت‌ها و نیز جواب شبهات و مغالطاتی وجود دارد که در کتب دیگر یافت نمی‌شود (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۶).

سؤال اصلی در این تحقیق آن است که محقق حدیث قبل از ورود به فقه‌الحدیث به چه مبانی‌ای نیازمند است تا زمینه فکری و ذهنی مناسب را برای وی فراهم و به او کمک کند تا بتواند از متون حدیثی به صورت درست استفاده نماید؟ در این پژوهش این مبانی با مروری بر کتاب «الفوائد الطوسیه» نوشته یکی از محدثان بزرگ امامیه، تبیین می‌گردد.

۱. زندگی‌نامه شیخ حر عاملی

شیخ محمد بن حسن معروف به حُرّ عاملی در سال ۱۰۳۳ق در روستای «مَشْغَر» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۱؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۱۶۷) در خاندانی از عالمان متقی چشم به جهان گشود (نک: حر عاملی، بی‌تا، ج ۱، صص ۶۷ و ۱۵۴؛ نجفی مرعشی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵). وی چهل سال از عمر پربار خود را در مشغور گذراند، سپس به سال ۱۰۷۳ق به مشهد الرضا(ع) وارد گردید (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۰). وی با پذیرفتن برخی مسئولیت‌های اجتماعی (منصب قاضی القضاة و شیخ الاسلامی) در یکی از

حساس‌ترین نقاط ایران (خراسان) که در معرض تهاجم ازبکها و اهل تسنن بود دین خود را در صحنه سیاست نیز به تشیع ادا کرد (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۱۶۸). شیخ حر عاملی از جمله بزرگانی است که علوم مختلف اسلامی را فراگرفته و همت خویش را به نشر روایات معصومین (ع) اختصاص داد و دارای بیش از ۵۰ کتاب است (نجفی مرعشی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۲) نظیر: «وسائل الشیعه»، «هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)»، «إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات»، «أمل الآمل فی علماء جبل عامل»، «الفوائد الطوسیه». این عالم بزرگ، در سال ۱۱۰۴ق در مشهد مقدس از دار دنیا رفت و در صحن موسوم به شیخ حر عاملی به خاک سپرده شد (نجفی مرعشی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۲).

۲. مبانی فقه الحدیث از دیدگاه شیخ حر عاملی

پژوهنده حدیث برای پی بردن به مراد معصومین، باید سلسله قواعدی را در نظر بگیرد و بر اساس آنها، روش خاصی را طی کند تا بتواند به مفهوم واقعی روایات دست یابد. بسیاری از قواعد فقه الحدیث مورد بهره‌گیری و استفادة عقلاء و اهل شرع است و انسان‌ها در جهت تفهیم و تفهیم کلام یکدیگر از آن استفاده می‌کنند؛ ولی تدوین و تبیین آنها در قالب یک متن کامل ضروری است تا در هنگام تفسیر روایات، از برخی از آنها غفلت نشود. موضوع این بخش، تبیین این قواعد و روش‌ها با توجه به نظریات شیخ حر عاملی در کتاب «الفوائد الطوسیه» است.

۲-۱. اثبات متن: لزوم توجه به اصل وجود روایت قبل از بحث از مفاد آن

قبل از ورود به بحث از مفاد یک روایت، باید برای حدیث پژوه، استناد متن مورد بحث به معصوم (ع) ثابت شده باشد و بداند که روایت از پیامبر اکرم (ص) یا از اهل بیت (ع) صادر شده است تا در مرحله بعد به بحث پیرامون محتوای آن بپردازد. این نکته قدم اول در فقه الحدیث است؛ زیرا با فرض عدم صدور یا وجود تردید در صدور روایت، بحث کردن پیرامون محتوای آن کاری بیهوده است. شیخ حر به این مطلب توجه دارد و روایاتی که از ریشه مشکوک به نظر می‌رسند را طرد می‌کند و قابل بحث محتوایی نمی‌داند.

به عنوان نمونه، شیخ حر در شرح حدیث «مَنْ عَرَفَ الْحَقَّ لَمْ يَعْبُدِ الْحَقَّ؛ کسی که حق را بشناسد حق را عبادت نمی‌کند» می‌فرماید: امثال این روایت نیازی به تأویل و توجیه آن نیست زیرا سند صحیحی ندارد و در کتاب قابل اعتمادی ثبت نشده است. بعلاوه مخالف صریح عقل و معارض با روایات صحیح است، بلکه پذیرش مفاد آن با ضروریات دین و قرآن و سنت و اجماع مسلمین مخالفت دارد، لذا اول باید به اثبات صحت (سند) آن پرداخت و سپس به توجیه ظاهر آن اقدام نمود ولی این روایت بر طبق قاعده (و مسلک) اصولیین و اخباریین صحیح نیست و به نظر می‌رسد که از منتخبان برخی از صوفیه است که از آنان نقل شده که قائل به سقوط عبادات از کسانی هستند که به مرحله کشف و وصول حق رسیده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۹).

ناگفته نماند سر آنکه علمای اسلام به روایات مرسل چندان بهایی نمی‌دهند و به آن استناد نمی‌جویند همین اصل (لزوم اثبات متن) است زیرا با ارسال سند روایت، صدور متن آن از معصوم (ع) ثابت نمی‌شود. شیخ حر در نقد حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» که مورد استناد یکی از معاصرانش قرار گرفته به این مطلب تصریح می‌کند: «انه خبر مرسل لا سند له أصلاً و ینبغی ان یذکر المعاصر سنده ثم أثبت صحته و لا سبیل له الیه» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۰۵).

۲-۱-۱. توجه به اعتبار کتاب حدیث

یکی از امور لازم بر حدیث‌پژوه اعتبار کتابی است که حدیث را از آن دریافت می‌کند، زیرا با فرض عدم اعتبار کتاب، نمی‌توان به حدیث موجود در آن اعتماد کرد. شیخ حر عاملی در کتاب *الفوائد الطوسیه* به مباحث کتاب‌شناسی توجه ویژه‌ای داشته و در این زمینه مطالب جالبی را در اختیار محقق قرار می‌دهد. تعابیری همچون: «وجوب العمل بأحادیث الکتب المعتمده» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۶)، «هذه الأحادیث... موجودة فی الکتب المعتمده» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۶)، «روایات متواتری رسیده است دال بر رجوع به ائمه (ع) و به احادیثی از ایشان که راویان ثقه نقل کرده‌اند یا در کتاب‌های مورد اعتماد وجود دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۴)، «علمای ما (امامیه) ... تنها به روایاتی عمل می‌کردند که صریح بوده و در کتب قابل اعتماد نقل شده است» (حر

عاملی، ۱۴۰۳، ص ۳۳۲)، «شکی نیست که راویان هرگاه حدیثی نقل کرده و متعرض روایت معارضی برای آن نشده باشند و به تأویل و تضعیف آن پرداخته بلکه آن را در کتاب‌های مورد اعتمادشان نگاشته‌اند، آنان به مضمون آن حدیث معتقد بوده‌اند» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۳۹) و امثال آنها را در *الفوائد الطوسیه* بکار می‌برد (برای مطالعه بیشتر نک: حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۷، ۳۸۹، ۴۰۴، ۴۰۵ و ۴۰۶).
شیخ حر عدم وجود یک روایت را در کتاب‌های روایی قابل اعتماد دلیل بر رد آن می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۳۷۶).

۲-۱-۲. اثبات صحت سند و سپس استدلال به حدیث

از دیدگاه شیخ حر عاملی، در مقام استدلال به یک حدیث باید اول صحت سند آن را اثبات کرد، علاوه بر آن، روایت باید محفوف به قرائن و خالی از معارض باشد تا بتوان به آن استدلال کرد. لذا در ردّ یک روایت می‌گوید: «روایت مذکور سزاوار است که صحت سند آن ثابت شود و محفوف به قرائن بوده و معارضی قوی‌تر از آن موجود نباشد. و هیچ یک از این امور ثابت نشده است، بنابراین استدلال به آن بر مطلب جایز نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵). همچنین در رد اخبار دیگری می‌گوید: «سزاوار است که سند آنها و لااقل صحت سند یکی از آنها ثابت شود و سپس مورد استدلال قرار گیرد» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۸) و احادیث ضعیف السند قابل استناد نیستند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۲۲).

۲-۱-۳. لزوم شناخت احادیث موضوعه

از مهمترین اصول مورد لزوم در فقه‌الحدیث، شناخت روایات موضوعه است زیرا محقق نباید وقت خود را صرف روایتی کند که صدور آن از زبان معصوم مشکوک یا عدم صدور آن قطعی است. دانشمندان حدیث برای شناخت احادیث موضوعه، ملاک‌هایی مشخص کرده‌اند و شیخ حر در کتاب «الفوائد الطوسیه» به برخی از آنها اشاره کرده است نظیر: ۱- مخالفت با عقل؛ ۲- مخالفت با ضروریات دین یا مذهب؛ ۳- مخالفت با قرآن؛ ۴- مخالفت با اجماع مسلمین؛ ۵- مخالفت با نقل صحیح.

به عنوان نمونه شیخ حر عاملی حدیث: «مَنْ عَرَفَ الْحَقَّ لَمْ يَعْبُدِ الْحَقَّ» را به دلیل مخالفت صریح با عقل، قرآن، سنت و اجماع و ضروریات دین رد می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۹).

همچنین وی در مورد حدیث «رَجَعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يُرَجِّعُ فِيهِ تَرْجِيعًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۶) می‌فرماید: اولاً؛ این روایت ضعیف است زیرا معارض با تعدادی از آیات قرآنی است که روایات صحیح‌ه از ائمه (ع) وارد شده که در (مذمت) غناء نازل شده است؛ نظیر سخن خداوند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ... لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان: ۶). از این آیه بر می‌آید که غناء از گناهان کبیره است و به این مطلب در حدیث تصریح شده و عده‌ای از علمای شیعه نیز به آن جزم یافته‌اند. همچنین روایات متعددی وجود دارد که مراد از قول زور در آیات ذیل غناست: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» (الفرقان: ۷۲) و «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (الحج: ۳۰) (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۸۳).

ثانیاً؛ این روایت ضعیف است، زیرا با سنت و روایات متواتر که صراحت در تحریم غنا دارد، متعارض است، لذا نمی‌توان از این روایات صحیح و متواتر، دست برداشت و به روایات شاذ و نادر تمسک جست. بعلاوه، این روایت به دلیل مخالف با اجماع شیعه بر تحریم غنا و مخالفت با ضروریات مذهب تشیع ضعیف است زیرا تحریم غنا از ضروریات مذهب امامیه است (حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۸۴-۸۷).

۲-۲. تثبیت متن (رفع اضطراب از روایت مضطرب و توجه به تصحیف)

قدم دیگر در فقه‌الحدیث، پس از اثبات صدور آن از معصوم، دستیابی به متن اصیل و خالی از تصحیف و اشتباه است. این نکته که علمای درایه از آن با عنوان «عدم اضطراب» روایت یاد می‌کنند، مورد توجه محدثان بوده و هرگاه حدیثی را می‌شنیدند که گرفتار این مشکل شده بود به تصحیح آن می‌پرداختند. مراد از اضطراب حدیث آن است که برخی از روایات با نسخه‌های مختلف در منابع حدیثی آمده و متن یا سند آن به چند صورت متفاوت، نقل شده است به طوری که سند یا متن واقعی آن معلوم نیست (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۳۳؛ صدر، ۱۴۱۳، ص ۲۲۴؛

سبحانی، ۱۴۱۶، ص ۱۰۳). محقق در هنگام برخورد با روایات مضطرب باید بتواند نسخه نقل صحیح یا قرائت درست را به دست آورد و آن را مبنای فهم کلام معصوم (ع) قرار دهد.

به عنوان نمونه، برخی از اصولیین به حدیث «الناسُ فی سَعَةِ حَتَّى یَعْلَمُوا»^۱ بر اصل براءت استدلال کرده‌اند؛ شیخ حر در این باره می‌فرماید: این حدیث از سماعه در مورد جماعتی است که سفره‌ای پر از غذا یافتند. امام علی (ع) فرمود: اینان غذا را قیمت کنند و آن را مصرف کنند. از امام سؤال شد که آنان اطلاعی نداشتند که آیا از مسلمان است یا از آن مجوسی؟ امام (ع) در جوابشان فرمود: «هُمُ فی سَعَةِ حَتَّى یَعْلَمُوا». مرجع ضمیر «هُم» در این حدیث همان جماعتی است که سفره را یافته‌اند ولی به همه مردم اشاره ندارد «و تغییره غیر جائز و هو فی جماعه مخصوصین و فی قضیه خاصه» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۰۷).

یکی از راه‌های رفع اضطراب بدست آوردن عبارت صحیح از روایت، ترجیح برخی از نسخه‌ها بر بعض دیگر است. شیخ حر از این نکته نیز استفاده می‌کند. به عنوان مثال، در مقام نقل یک روایت با اختلاف کوتاهی از کافی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی می‌گوید: «شاید نقل کلینی (از نقل قمی) اصح باشد زیرا اعتماد به ضبط نسخه‌های کافی بیشتر است و تواتر نسخه‌های آن اجمالاً ثابت شده و شواهد دال بر تصحیح کتاب کافی روشن‌تر است» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۵۴).

۲-۳. تشکیل خانواده حدیث

توجه به خانواده حدیث یکی از امور لازم در فقه الحدیث است. مراد از تشکیل خانواده حدیث، یافتن روایات مشابه و هم مضمون و ناظر به یک موضوع است. از آنجا که حضرات معصومین (ع) نور واحد می‌باشند و به تعبیر امام رضا (ع): «إِنَّ کَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ کَلَامِ أَوْلِنَا وَ کَلَامِ أَوْلِنَا مِصْدَاقُ لِكَلَامِ آخِرِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۰). باید مجموع سخنان آنان را در مورد یک موضوع در نظر گرفت و سپس به شرح روایت پرداخت. گاهی با تمسک به یک روایت، برداشتی از کلام معصوم برای محقق حاصل

می‌شود که اگر تمام روایات موضوع مورد بحث را در نظر بگیرد، برداشت دیگری برای او حاصل خواهد شد.

روش محدثان و مؤلفان کتب حدیثی در تبویب موضوعی روایات، نشانه آن است که این بزرگان لزوم توجه به خانواده حدیث را درک کرده و توجه داشته‌اند که مطالعه روایات هم مضمون در کنار یکدیگر، فهم دقیق‌تر و صحیح‌تری پیرامون یک موضوع خاص به محقق می‌دهد.

نکته قابل توجه آنکه محقق در تشکیل خانواده حدیث، تنها نباید به روایات صحیح‌السند توجه نماید؛ بلکه لازم است احادیث ضعیف را نیز در جنب اخبار صحیح قرار دهد زیرا گاهی یک خبر ضعیف می‌تواند معانی روایات صحیح را روشن سازد - کاری که صاحب کافی و دیگران انجام داده‌اند. کلینی، در بسیاری از ابواب کافی، روایات صحیح را در آغاز یک باب قرار داده، ولی در اواخر باب، به نقل روایات ضعیف و هم‌مضمون با سایر روایات آن باب پرداخته است.

شیخ حر در «الفوائد الطوسیه» به خانواده حدیث، اهتمام ورزیده و در بسیاری از موارد در راستای فهم یک روایت یا رفع اضطراب از آن، از سائر روایات هم مضمون کمک می‌گیرد. به عنوان نمونه، در شرح آیه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ» (الزخرف: ۴۴) ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمودند: «فَرَسُّوْهُ اللّٰهُ (ص) الذِّكْرُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ (ع) الْمَسْئُؤْلُونَ وَ هُمْ أَهْلُ الذِّكْرِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۱) شیخ حر می‌فرماید: این حدیث خالی از اشکال نیست زیرا پیامبر نمی‌تواند تذکر برای خود باشد و مناسبتی بین متن روایت و تفسیر آیه مذکور وجود ندارد. علاوه بر آن با تعدادی از احادیث تعارض دارد؛ نظیر روایت ذیل که کلینی با سند صحیح نقل کرده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ: الذِّكْرُ الْقُرْآنُ وَ نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُؤْلُونَ» و این حدیث و امثال آن از روایت سابق ارجح هستند، زیرا دارای تعداد بیشتر و سند قوی‌ترند و با ظاهر آیه موافقت دارند.

آنگاه، شیخ حر شش نوع توجیه برای این حدیث ذکر می‌کند تا اشکال از ظاهر آن برطرف شود. یکی از این توجیها آن است که این حدیث در تفسیر آیه «فَاسْئَلُوا أَهْلَ

الذِّكْرُ» (الأنبياء: ۷) است ولی راوی اشتبهاً آن را در تفسیر آیه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» (الزخرف: ۴۴) آورده است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۵).

۲-۳-۱. تتبع و توجه به موارد ورود حدیث در کتب مختلف

بر حدیث پژوه لازم است که از موارد ورود روایت در کتب مختلف اطلاع یابد. این امر علاوه بر آنکه محقق را در فهم معنا و تصحیح تحریف یا تصحیف حدیث کمک می‌کند، گاهی حدیثی را به مرحله تواتر یا لاقفل به مرز شهرت نزدیک و آن را از مرحله خبر واحد خارج می‌سازد. شیخ حر به این مطلب توجه دارد. به عنوان نمونه، در شرح حدیث امام صادق(ع): «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۷)؛ «اگر کسی ثوابی را بر چیزی بشنود و آن را انجام دهد، ثوابش را خواهد برد، اگر چه در واقع، خبر مطابق آنچه شنیده، نباشد». شیخ حر عاملی می‌فرماید: روایات به این مضمون فراوان است که من ۹ عدد از آنها را در جای دیگری^۲ جمع آوری کرده‌ام و برخی از آنها به اصطلاح متأخرین و همه آنها به اصطلاح قدماء صحیح می‌باشند. شیخ بهایی فرموده است این روایات تنها توسط راویان شیعه نقل شده و اهل سنت از آنها یاد نکرده‌اند، ولی ایشان اشتباه کرده زیرا اهل سنت هم این احادیث را نقل کرده‌اند و ابن فهد حلی در کتاب *عدّة الداعی* آن را از طریق عامّه نقل کرده و فرموده که این روایات بین شیعه و اهل سنت، متفق علیه است (نک: ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۳). شیخ بهایی نیز معذور است چون نسبت به این مسأله حضور ذهن نداشته است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۹۳).

۲-۴. لزوم دستیابی به معانی واژه‌ها در زمان صدور

با دگرگونی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و دگرگونی واژه‌ها در پیام رسانی، نسل امروز مفاهیم نهفته در برخی از عبارات احادیث را نمی‌تواند درک کند، زیرا برخی از واژه‌ها بر اثر مرور زمان، معانی مختلفی به خود می‌گیرد. حتی در زمان واحد نیز ممکن است یک واژه در بین اقوام و مناطق مختلف دارای معانی متفاوتی باشد. از این رو، محقق حدیث باید مفاهیم کلمات را در عصر صدور روایت و در بین قبایل مرتبط با فضای صدور به دست آورد؛ زیرا اهل بیت(ع) به زبان مردم روزگار خود سخن گفته و واژه‌ها را در

معانی رایج بین مردم همان عصر به کار برده‌اند. دانشمند حدیث‌پژوه نباید هنگام بحث از معنای روایات، از مفاهیم جدید متأخر نسبت به عصر صدور یا رایج در بین اقوام غیرمرتبط با اهل بیت و فضای صدور استفاده کند.

شیخ حر عاملی به این اصل مهم در فقه‌الحدیث عنایت ویژه دارد. به عنوان نمونه، در شرح حدیث امام صادق(ع): «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمُ الْأُصُولَ وَ عَلَيْنَا أَنْ تُفَرِّعُوا؛ القای اصول وظیفه ما و تفریع وظیفه شماست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۵) و روایت امام رضا(ع): «عَلَيْنَا إِلقاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْنَا النَّفْرُوعُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۵) شیخ حر معتقد است که تفریع در این احادیث به معنای امروزی (اجتهاد مصطلح و استخراج احکام جزئی به صورت ظنی) نیست، بلکه مراد از آن عمل به روایت عام و استخراج احکام جزئی آن است. وی اصول را در این حدیث به معنای علم اصول مصطلح نمی‌داند، بلکه به معنای قواعد کلی می‌گیرد. دلیل آن را استعمال واژه اصول به معنای قواعد کلی در روایات می‌داند، مانند حدیث امام کاظم(ع) که فرمود: «سِرُّ اللَّهِ فَلَا تُذِيعُوهُ وَ لَا تَعْلَمُوا هَذَا الْخَلْقَ أَصُولَ دِينِ اللَّهِ؛ سرّ خداست، آن را پخش نکنید و اصول دین خدا را به این مردم یاد ندهید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۱۱۲) و نیز حدیث سهو و شکّ در نماز که معصوم(ع) فرمود: «إِذَا شَكَّكَتَ فَأَبْنِ عَلَيَّ الْيَقِينِ» و راوی از امام(ع) پرسید: «هَذَا أَصْلٌ؟» و امام پاسخ مثبت داد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۵۱).

بنابراین از این احادیث فوق‌الذکر استفاده می‌شود که قواعد کلی که در روایات به آن تصریح شده قابل عمل و اجراء در تمام افراد و جزئیات آن است و نصّ عام و روایت فراگیر، حکم بر تمام افراد آن است و نیازی به نصّ خاصّی در مورد جزئیات نداریم، ولی این حدیث به معنای اجتهاد مصطلح اصولیان نیست (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۶۳).

۲-۵. صدور برخی از روایات بر مبنای جدال

جدال عبارت است از: دلیلی که صرفاً برای منصرف نمودن خصم از آنچه که بر سر آن نزاع می‌کند به کار برود، بدون اینکه خاصیت روشنگری حق را داشته باشد، یعنی آنچه

را که خصم قبول دارند بگیریم و با همان ادعایش را رد کنیم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۷۱).

شیخ حرّ معتقد است در روایات اهل بیت جدل وجود دارد و در برخی از موارد ائمه (ع) مطلبی که مورد قبول طرف مخالف بوده مبنایی برای محکوم کردن وی قرار داده‌اند تا او را به مطلب حقّی بر مبنای اعتقادات خودش ملزم سازند. وی استدلال بزرگانی چون سید مرتضی، شیخ طوسی، محقق حلی، علامه و دیگران به روایات منقول توسط اهل سنت در کتب استدلالی را در راستای جدال با آنها می‌داند. سپس این بزرگان به روایات شیعه استناد جسته‌اند. برخی از متأخران به این نکته توجه نکرده و روایات اهل سنت را دلیل واقعی دانسته‌اند؛ بلکه گاهی روایت صحیح و صریح شیعه را در هنگام مخالفت با روایت ضعیف عامّی رد می‌کنند. این عملکرد صحیح نیست. ائمه (ع) در بسیاری از موارد از باب جدال سخن گفته‌اند، از این رو ائمه (ع) در روایات فراوانی به قیاس، مصالح مرسله، شعر، خواب و حتی به روایات راویان کذاب، کافر و منافق استدلال جسته‌اند، در حالی که ما را از استدلال به این امور باز داشته‌اند و هیچیک از این امور حجّت نیست و سر مطلب آن است که در مقام جدال با اهل سنت بوده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۰).

مقصود ائمه (ع) استدلال حقیقی نبوده بلکه تعلیم روش مناظره به شیعیان در مقام بحث با مخالفان بوده است همانطور که خودشان فرمودند: «الزُّمُوهُمْ بِمَا أَلْزَمُوا (به) أَنْفُسَهُمْ: آنان را به همان (اموری که) بدان ملتزم هستند ملزم کنید» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۲۵ و ۱۸۲).

به عنوان نمونه، شیخ حر در شرح حدیث «رؤیت»^۳ می‌فرماید: برخی به عبارت (اتَّفَقَ الْجَمِيعُ) در این حدیث بر حجّیت اجماع استدلال کرده‌اند ولی اشکال این استدلال آن است که امام در مقام احتجاج علیه اهل سنت با امری (اجماعی) است که آنها حجّت می‌دانند و از این حدیث استفاده می‌شود که امام در مقام احتجاج بر علیه عامّه و ابطال روایات آنها است و لذا دلالت ندارد که اجماع بدون حضور معصوم در بین اجماع کنندگان حجّت است. البتّه اجماع خاصّه با شرط دخول معصوم در بین آنان حجّت است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۹).

۲-۶. ورود برخی از روایات به لسان حال و لزوم تأویل ظواهر آنها

برخی از روایات ظاهرش با اصول مسلمة مخالفت دارند ولی می‌توان ظاهرشان را تأویل و محمل معقولی برایشان بیان کرد، در این صورت از ظاهر آن روایات صرف‌نظر نموده بر آن معانی معقول حمل می‌کنیم، حملی که هم با حق و هم با دلیل و روایت بسازد. شیخ حرّ عاملی در مورد احادیثی که ظاهرش مخالف قرآن یا سنت یا اجماع یا عقل است در صورتی که بتواند ظاهر آن را تأویل کند آن را تأویل می‌کند و گرنه آن را طرد می‌نماید.

روایتی در مورد ارزش عقل از امام باقر(ع) رسیده است: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰). شیخ حر عاملی در شرح این حدیث توجیهاتی دارد؛ توجیه چهارم وی آن است که مراد از نطق در این حدیث معنای حقیقی آن نیست بلکه نطق مجازی است و آن اخبار به لسان حال و رساندن مطلب به مخاطب به هر صورت ممکن است. هدف از این روایت آن است که خداوند از عقل خواسته است که راهنمای بندگانش بر وحدانیت خداوند و مُخبر به ربوبیت وی باشد که از طریق تفکّر و به وسیله عقل صورت می‌گیرد (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۲).

۲-۷. توجه به ضرب المثل‌های موجود در احادیث

در فرهنگ هر ملّتی، ضرب المثل‌هایی وجود دارد. ضرب المثل کلمات یا جمله‌های معدودی هستند که بدون نیاز به شرح و بسط مطلب، بار معنایی زیادی را دربر دارند. ائمه(ع) از ضرب المثل‌های رایج در عصر خود در روایات استفاده کرده‌اند و لذا توجه به معنای ضرب‌المثل موجود در روایات، برای محقق الزامی است. اگر در فقه‌الحديث، استخراج دقیق «پیام اصلی» ضرب المثل رعایت نشود، مراد معصوم، قابل فهم نخواهد بود.

شیخ حر به این نکته در فقه‌الحديث کاملاً توجه دارد. به عنوان مثال، امام علی(ع) در بیان نفرت از دنیا فرموده: «لَدُنِّيَاكُمْ أَهْوَنُ عِنْدِي مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا ... اللَّهُمَّ نَفَرْتُ عَنْهَا نِفَارَ الْمُهْرَةِ مِنْ كَيْهَا أَرِيهِ السُّهَاءَ وَ بُرِينِي الْقَمَرِ» (صدوق، ۱۴۱۷،

ص ۶۲۳)؛ «دنیای شما از نظر من ناچیزتر از برگگی در دهن ملخی است که آن را می‌جود... خدایا! چنان از آن متنفر بودم مانند تنفر و فرار کره اسب از داغ نهادن بر بدنش. من به او سُّها را نشان می‌دادم و او به من ماه را نشان می‌داد».

شیخ حر در شرح این حدیث می‌فرماید: «سُّها» نام ستاره‌ای مخفی در بنات نعش الصغری (نام مجموعه‌ای از ستارگان) و جمله «أَرِيهِ السُّهًا وَ يُرِيْنِي الْقَمَرَ» یک مثل لطیف است. مقصود امام آن است که من به او آخرت را نشان می‌دهم و او به من دنیا را نشان می‌دهد چون آخرت امری خفی است و احتیاج به فکر و استدلال دارد و چون غایب است با حسّ ظاهر قابل درک نیست، ولی دنیا ظاهر و با چشم قابل رؤیت است و نیازی به برهان ندارد. و شاید مراد امام آن است که وی ظاهر روشن دین را به من نشان می‌دهد و ادّعا می‌کند که رعایت همین امور کافی است ولی من امور مخفی دین در مستحبات، مکروهات و آداب و فضائل چون ترک دنیا را به او نشان می‌دهم (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۶).

علامه مجلسی نیز این جمله آن را ضرب المثل دانسته و به کلام زمخشری در «مستقصى الأمثال» استناد می‌کند که وی منشأ پیدایش این مثل را چنین بیان کرده است: مردی با زنی به صورت مخفیانه و با جملاتی سنگین و مشکل و مخفی سخن می‌گفت ولی آن زن با وی با سخنانی واضح و روشن پاسخ می‌داد، در این مورد این ضرب المثل ساخته شد و در مواردی بکار می‌رود که فردی به دیگری امری را پیشنهاد می‌دهد ولی او جوابی برخلاف نظر او داده و موضوع دیگری را مطرح می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، صص ۳۵۵-۳۵۶).

۲-۸. توجّه به شرایط و اسباب صدور روایات

برخی از احادیث در زمان یا مکان یا شرایط خاص از زبان اهل بیت (ع) صادر شده است، آشنایی با آن ویژگی‌ها ما را در فهم معنای آنها کمک می‌کند، همچنان‌که عدم آگاهی از آن شرایط به برداشت غلط از حدیث منجر می‌گردد؛ زیرا سخن واحد در شرایط گوناگون، ممکن است معانی مختلفی بدهد. پس، برای درک درست از مراد معصوم، باید جهات خارجی و قراین موجود در عصر صدور آن را در نظر گرفت.

شیخ حر به سبب صدور روایات در هنگام فهم آنها توجه دارد، لذا در شرح کلام امام علی (ع) که فرموده است «أَلَا إِنَّ الْحَدِيثَ ذُو شُجُونٍ فَلَا يَقُولَنَّ قَائِلُكُمْ إِنَّ كَلَامَ عَلِيٍّ مُتَنَاقِضٌ لِأَنَّ الْكَلَامَ عَارِضٌ؛ توجه کنید که سخن دارای شاخه‌هایی است، بنابراین کسی نگوید که سخنان علی با هم در تنافی است زیرا سخن (در موقعیت‌های مختلف ظهور می‌یابد و) عارض می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۶۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۳۹۵).

شیخ بیان می‌کند که سخن دارای اقسام و اغراض و شعب مختلفی است و برای آن محمل‌ها و معانی مختلف و مطالب گوناگونی وجود دارد و بسیاری از موارد، مراد گوینده خلاف ظاهر آن است و گاهی هم ظاهر و هم خلاف ظاهر آن اراده شده است.

به عنوان مثال، امام علی (ع) در بسیاری از موارد در مذمت دنیا سخن گفته و گاهی در مدح آن خطبه خوانده است. همچنین در سایر سخن‌هایش که در موعظه وارد شده یا در بازداشتن مردم از افراط و تفریط در هر امری صادر شده و یا استدلال‌هایی که امام بر جماعتی که تارک دنیا به صورت کلی شده بودند و آنها را از این امر باز می‌دارد و یا مباحثی که پیرامون مکروهات و مستحبات دارد؛ روایات فراوانی وارد شده که گاهی امر می‌کند، گاهی نهی، گاهی با زبان تخییر وارد می‌شود، گاهی تشویق می‌کند و گاهی اذن در ترک می‌دهد. در تمام این موارد امام مقتضای حال را در تثبیت شریعت اسلامی در نظر گرفته و مردم را از افراط و تفریط باز می‌دارد. این مطلب در دیگر روایات منقول از ائمه هدی (ع) نیز صادق است، بلکه تعارض و اختلاف در اکثر روایات معصومین (ع)، به اینگونه امور باز می‌گردد و از آن خارج نیست. البته، موارد تقیه را می‌توان استثناء کرد. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۹).

۲-۸-۱. توجه به وجود تقیه در بسیاری از روایات

از اموری که در کتاب «الفوائد الطوسیه» بسیار مورد توجه شیخ حر عاملی قرار گرفته، وجود شرایط تقیه در برخی از روایات است. شیخ وجود تقیه را در بسیاری از روایات گوشزد نموده و از این طریق، به حل بسیاری از تعارضات موجود در روایات پرداخته است. وی معتقد است که اکثر مواردی که اختلاف و تعارض بین دو روایت وجود دارد بدان سبب است که یکی از آن دو در فضای تقیه صادر شده است؛ از این رو، حمل بر

تقیّه را قوی‌ترین مرجح باب تعارض می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۸۵ و ۱۴۹) و بسیاری از روایات را که دارای معارض بوده و یا ظاهر آن با اصول مذهب یا عمل اصحاب و نظر علمای شیعه، سازگار نیست حمل بر تقیه می‌کند (نک: حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۷۱، ۸۵، ۸۸، ۱۷۵، ۱۴۹، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸).

۲-۹. استناد به قرآن کریم در شرح روایات

مراجعه به قرآن در فهم روایات ضروری است زیرا قرآن کلیات اسلام را مطرح کرده و بیان جزئیات دین را به پیامبر اکرم (ص) واگذار نموده است: «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (النحل: ۴۴). خداوند در این آیه، روایات پیامبر را به منزله شرح و تفصیل آیات قرآنی دانسته است؛ از این رو، درک ما از روایات، بدون مراجعه به قرآن، ناقص خواهد بود. احادیثی که از ائمه اطهار (ع) نیز به دست ما رسیده است به حکم حدیث ثقلین (نک: فیض، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۱۶؛ ابن حنبل، ۱۳۱۳، ج ۳، ص ۱۴؛ حاکم، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۰۹؛ دارمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۴۳۲) در جایگاه روایات نبوی قرار دارد؛ بنابراین مراجعه به قرآن، در فهم سخنان اهل بیت نیز ضروری است.

حضرات معصومین به منبع بودن قرآن در فهم احادیث اشاره کرده‌اند (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۰؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۱). حتی امام باقر (ع) فرمودند: «هرگاه مطلبی را برای شما بیان کردم، مدرک آن را از قرآن سؤال کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۰؛ فیض، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۶).

شیخ حر عاملی هنگام ورود به بحث از مفاد احادیث، آیات قرآنی مناسب با آن را آورده و در موارد احتیاج به تفسیر، به صرف نقل آیه‌ها اکتفا نکرده بلکه به توضیح و تفسیر آن‌ها نیز پرداخته است. از نظر او، آیات مجمل قرآن با تفسیر اهل بیت روشن می‌شود (نک: حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۵۱، ۴۹، ۴۷، ۴۳، ۲۹).

۲-۱۰. توجه به روایات دیگر در شرح روایت

روایات معصومین (ع) به دو گونه احادیث تقسیم می‌شود: برخی از آن‌ها به قدری ساده بیان شده که در مقام فهم آن به معلّم یا مبیّن نیازی نیست؛ ولی گروهی دیگر از روایات دارای معانی عمیق یا مجمل و پیچیده است که بدون کمک گرفتن از سایر گزینه‌های

ممکن، پی بردن به عمق کلام این بزرگواران میسر نیست. بهترین گزینه در این راه، همان استفاده از سایر سخنان ایشان است؛ زیرا روایات معتبری که از معصومین رسیده برخی از آنها مبین برخی دیگرند. به همین جهت شیخ حر در فقه‌الحديث از احادیث دیگر در شرح یک حدیث بهره می‌گیرد و به عبارت دیگر، برای بدست آوردن معنای یک روایت، به سراغ روایات دیگر می‌رود تا بتواند به هدف معصومین دست یابد.

به عنوان نمونه، در شرح حدیث امام صادق (ع) که فرمود: «إِنَّ أَيَّامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ (ع) لَا تُحْسَبُ مِنْ أَعْمَارِهِمْ: روزهای زائران امام حسین (ع) از دوران عمر آنان حساب نمی‌گردد» (ابن قولویه، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶) شیخ حر دو احتمال مطرح می‌کند:

- مراد آن است که خداوند به میزان ایام و زمان زیارت بر عمر زائر سیدالشهداء (ع) می‌افزاید؛

- مراد آن است که در مدت زیارت امام حسین (ع) گناهی برای شخص زائر نوشته و ثبت نمی‌شود؛ لذا گویا این بخش از زمان به جهت عدم مؤاخذه بر گناهان از عمرش محسوب نشده است. سپس شیخ حر معنای اول را به دو دلیل ترجیح می‌دهد:

۱- معنای اول حمل حدیث بر حقیقت است و معنای حقیقی بر مجازی مقدم است و باید در صورت امکان، کلام را بر معنای حقیقی حمل نمود و نه بر مجازی.

۲- روایات فراوانی در تأیید معنای اول وجود دارد نظیر:

- عن الباقرِ وَ الصَّادِقِ (ع): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ (ع) مِنْ قَتْلِهِ أَنْ ... لَا تُعَدُّ أَيَّامَ زَائِرِهِ جَائِئِيًّا وَ رَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ» (طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۰).

- عن أبي جعفر (ع) قَالَ: «مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِنَّ إِتْيَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ يَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ» (ابن قولویه، ۱۳۹۸، ص ۱۵۱). (نک: حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۳۶، ۴۵، ۴۷، ۵۱).

۲-۱۱. توجه به سیاق

سیاق ساختاری کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات و جمله‌ها سایه می‌افکند و بر معنای آن‌ها اثر می‌گذارد (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۹۲). با توجه به اینکه مراد استعمالی واژه‌ها فراوان است، نمی‌توان به صرف مراجعه به کتب لغت و بدون در نظر گرفتن کلمات و

جملات مجاور، معنا و مقصود گوینده را به دست آورد، زیرا گاهی، برخی از واژه‌ها و یا جمله‌ها در یک سخن، قرینه بر معنای کلمه یا جمله دیگر آن قرار می‌گیرد. این امور را اصطلاحاً، «سیاق» می‌نامیم و در حکم قرینه متصل در جمله است.

شیخ حر عاملی به سیاق در راستای فهم حدیث توجه ویژه‌ای دارد و در موارد فراوانی به این امر اشاره کرده است. به عنوان نمونه، در شرح حدیث رسول اکرم (ص): «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ... وَمَا يُضْمِرُ النَّبِيُّ (ص) فِي نَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ: خدا در بین بندگانش چیزی بهتر از عقل تقسیم نکرده است، زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل بهتر است ... و آنچه پیغمبر در خاطر دارد، از اجتهاد مجتهدین بالاتر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۲)، برخی واژه «اجتهاد» را به معنای استنباط احکام دین با کمک از قواعد اصول گرفته‌اند و واژه «مجتهدین» را به معنای کسانی دانسته‌اند که با کمک گرفتن از علم اصول، به استنباط احکام شرعی می‌پردازند. سپس گفته‌اند که این لفظ در مقام مدح مجتهدین از سوی ائمه استعمال شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۲۳).

شیخ حر با توجه به سیاق به ردّ این استدلال می‌پردازد و می‌فرماید: مراد از اجتهاد در این روایت تلاش در راه عبادت است نه اجتهاد مصطلح (تحصیل ظنّ به احکام شرعی) و این حدیث نظیر روایت دیگر است که امام (ع) فرمود: «نَوْمُ الْعَالِمِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۷).

شیخ حر دلیل خود را صدر حدیث می‌داند که امام (ع) نوم عاقل را بهتر از بیداری جاهل در سحر دانسته، لذا (سیاق) قرینه ظاهر و واضحی است که مراد از اجتهاد در این حدیث، تلاش در راه عبادت است همانطور که در حدیث امام صادق (ع): «عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۱) مراد از اجتهاد، تلاش در راه عبادت و قرینه آن وجود واژه «ورع» قبل از کلمه «اجتهاد» است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۴۴).

همچنین در معنای حدیث «نَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ» شیخ حر معتقد است که عاقل در این حدیث به قرینه مقابله آن با جاهل، به معنای عالم است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۴۴).

توجه به پرسش راوی، قرینه دیگری در زمره سیاق است. از نظر شیخ حر سؤالی راوی و بلکه شخصیت او، می‌تواند قرینه‌ای بر مضمون روایت باشد چنانکه در شرح حدیث امام علی (ع) که فرمود: «إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا وَصِدْقًا وَكَذِبًا؛ در بین مردم حق و باطل و صدق و کذب وجود دارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲) شیخ حر معتقد است که مراد از «الناس» اهل سنت می‌باشند؛ زیرا راوی از امام علی (ع) در مورد روایات مخالفین (اهل سنت) و مخالفت احادیث آنها با روایات امام و شیعیانش پرسید. معلوم می‌شود که مراد از الناس اهل سنت می‌باشند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۵۴۴).

از نظر شیخ حر، سیاق روایت می‌تواند ما را در راستای تصحیح نسخه نیز کمک کند (حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۱۲۵، ۱۱۴، ۸۱، ۶۳).

۲-۱۲. توجه به علوم مورد نیاز در فقه الحدیث

علوم مورد نیاز در فقه الحدیث زمینه فکری و ذهنی مناسب را برای حدیث‌پژوه فراهم می‌سازد و به او کمک می‌کند تا بتواند از منابع فقه الحدیث استفاده صحیح نماید، در موارد اختلاف منابع به داوری برخیزد و از قواعد و مبانی فقه الحدیث به بهترین وجه بهره‌برد. اگر چه داشتن تخصص و صلاحیت در ورود به هر کاری لازم است و عقل به این امر حکم می‌کند، ولی رعایت آن در امور علمی و به ویژه در علوم دینی، لازم‌تر است. پس فرد حدیث‌پژوه نباید بدون صلاحیت علمی لازم به شرح حدیث پردازد.

از مهمترین علوم که شیخ حر در *الفوائد الطوسیه* مورد توجه قرار داده، علوم ادبی است. وی معتقد است که شناخت علوم ادبی چون نحو، صرف، معانی، بیان و لغت ما را در راستای فهم قرآن و روایات کمک می‌کند، بلکه فهم کلام عربی متوقف بر این علوم است. ولی اینچنین نیست که هر کس که با این علوم آشناست تمام متشابهات قرآن و حدیث را بشناسد، زیرا افراد با هم متفاوتند و نیز وضع آیات و روایات یکسان نیست (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۳۸).

علم لغت عرب و صرف و نحو از ضروری‌ترین علوم مورد نیاز در فهم روایات است؛ زیرا روایات به زبان عربی صادر شده‌اند. زبان عربی از نظر تعداد واژه‌ها، گستره فراوانی دارد. از سوی دیگر، استعمال کنایه، استعاره، مجاز و... در زبان عربی فراوان

است که حدیث پژه می‌بایست با موارد آنها در واژه‌ها و جملات آشنا شود و مراد استعمالی آنها را دریابد. البته، صرف آشنایی با متون لغت کافی نیست، بلکه علاوه بر این، بر حدیث پژه لازم است با غور در کلام عرب و خواندن اشعار و خطب و امثال آنان، ذوق عربی کسب کند. لذا شیخ حر به تتبع در کلام فصحاء و بلغاء اهمیت می‌دهد (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۴۴) زیرا کسانی که تنها به معانی حقیقی کلمات توجه کنند خود را از فهم نکات بلاغی و عالی موجود در سخن محروم ساخته‌اند.

شیخ حر نظر خودش را در مورد کاربرد مجاز، استعاره و کنایه در احادیث به صورت ذیل اعلام می‌دارد: «کسی که به کلام فصحاء توجه کند درمی‌یابد که اکثر آن کلام‌ها مجازات و استعارات و کنایات است و بلغاء اجماع دارند که مجاز ابلغ از حقیقت است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۹۳). (برای مطالعه بیشتر نک: حر عاملی، ۱۴۰۳، صص ۳۸۹، ۳۸۴، ۱۶۱، ۱۲۵، ۱۰۴، ۵۲، ۹۰، ۵۰، ۴۶، ۴۴).

۱۳-۲. تقوای علمی (عدم تعصب شخص حدیث پژه و پرهیز از پیش‌داوری)

بین اعمال انسان و افکار و حالت‌های روحی او ارتباطی محکم برقرار است. بینش‌ها، گرایش‌ها و عملکردها در هر فرد انسانی، دارای رابطه‌ای متقابل می‌باشند. بر این اساس، به هر میزان که انسان از طهارت روح برخوردار باشد، به همان میزان، واقعیات را بهتر درک می‌کند؛ بویژه اگر این نکته را در نظر بگیریم که فهم دین و درک کلام معصومین، نیاز به نوعی تأیید الهی دارد. در روایات از این واقعیت با تعبیر نور الهی یاد شده است: «نُورٌ یَقْدِفُهُ اللّهُ فِی قَلْبِ الْمُؤْمِنِ فِیْ شَرْحِ صَدْرِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۲۳۶). منظور از «شرح» همان وسعت روح و بلندی فکر و گسترش افق عقل آدمی است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۴).

تقوای علمی و پرهیز از پیش‌داوری از امور لازم در فقه‌الحدیث است. محقق باید در فهم متون روایی خود را مانند شاگردی بداند که در تلاش است هدف معصومین را استخراج نماید نه مانند فردی که می‌خواهد افکار خود را بر سر سفره روایات عرضه نماید. از این‌رو هرگز نباید اندیشه‌ها یا خواسته‌ها و گرایش‌های خود را در تبیین احادیث دخالت دهد، وگرنه از حدیث معنای صحیح را برداشت نکرده بلکه گاهی

عکس مطلب را برداشت می‌کند. شیخ حرّ نمونه آن را حدیث «عَلَيْ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰) می‌داند که فخر رازی آن را دلیل بر صحّت خلافت ابوبکر می‌داند؛ با آنکه حدیث، صریح در خلافت امام علی(ع) بعد از پیامبر(ص) است. شیخ حرّ این برداشت فخر رازی را ناشی از تعصّب و مصداق حدیث: «حُبُّكَ الشَّيْءَ يُعْمِي وَ يُصِمُّ؛ دوستی تو نسبت به چیزی تو را کور و کر می‌کند» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۰؛ شریف رضی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۱) می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۵).

شیخ حرّ در مورد دیگری نیز به این مطلب اشاره می‌کند: «گاهی خواننده از نقل متواتر - که مفید علم است - با وجود شبهه و تقلید (تعصّب) خلاف مطلب را برداشت می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۷).

نتیجه‌گیری

۱. از دیدگاه شیخ حر عاملی محقق در راه درک مراد معصوم، باید قواعد و مبانی صحیح فهم روایت را فراگیرد و بر اساس آن‌ها، روش و شیوه درستی را در فهم حدیث برگزیند. برخی از این مبانی و قواعد عبارت است از: اثبات متن، اطمینان از صحّت روایت، تثبیت متن (رفع اضطراب از روایت مضطرب)، تشکیل خانواده حدیث، شناخت مفهوم واژه‌های موجود در روایت، شناخت سبب و شرایط و مورد صدور حدیث، توجه به سیاق روایت، شناخت پیام ضرب المثل‌های موجود در متن، حل تعارض بین روایات متعارض، توجه به قرآن و روایات دیگر، داشتن تخصص در علوم مورد نیاز و...

۲. از دیدگاه شیخ حر، یکی از راه‌های اثبات متن، اعتبار منبع و کتابی است که حدیث را از آن دریافت می‌کنیم، زیرا با فرض عدم اعتبار کتاب، نمی‌توان به متن حدیث موجود در آن اعتماد کرد و به عبارت دیگر، متن چنین حدیثی ثابت نمی‌شود.

۳. از دیدگاه شیخ حر، در مقام استدلال به یک حدیث باید اولاً صحّت سند آن را اثبات نمود، علاوه بر آن، روایت باید محفوف به قرائن و خالی از معارض باشد تا بتوان به آن استدلال کرد.

۴. از دیدگاه شیخ حر عاملی، تقوای علمی و پرهیز از پیش‌داوری از امور لازم در فقه‌الحدیث است. محقق باید در فهم متون روایی خود را مانند شاگردی بداند که در تلاش است هدف معصومین را استخراج کند و نه مانند فردی که می‌خواهد افکار خود را بر سر سفره روایات عرضه نماید. از این‌رو، هرگز نباید اندیشه‌ها یا گرایش‌های خود را در تبیین احادیث دخالت دهد.

یادداشت‌ها

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَنْ عَلِيًّا (ع) سُئِلَ عَنْ سُفْرَةٍ وَجِدَتْ فِي الطَّرِيقِ مَطْرُوحَةً كَثُرَ لَحْمُهَا وَ خُبْزُهَا وَ جُبْنُهَا وَ بَيْضُهَا وَ فِيهَا سِكِّينٌ فَقَالَ يَقَوْمٌ مَا فِيهَا ثُمَّ يُؤْكَلُ لِأَنَّهُ يَفْسُدُ وَ لَيْسَ لَهُ بَقَاءٌ فَإِنْ جَاءَ طَالِبٌ لَهَا غَرِمُوا لَهُ التَّمَنُّ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا نَدْرِي سُفْرَةَ مُسْلِمٍ أَوْ سُفْرَةَ مَجْرُوسِيٍّ فَقَالَ هُمْ فِي سَعَةٍ حَتَّى يَعْلَمُوا» (قطب راوندی، بی‌تا، ص ۵۰).
۲. مراد کتاب وسائل الشیعه است (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۰).
۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّؤْيَةِ... فَكَتَبَ بِخَطِّهِ: اتَّفَقَ الْجَمِيعُ لَا تَمَانَعُ بَيْنَهُمْ أَنَّ الْمَعْرِفَةَ مِنْ جِهَةِ الرَّؤْيَةِ ضَرُورَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹۶).

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن حنبل، احمد (۱۳۱۳ق)، مسند، بیروت: دار صادر.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم: دارالکتاب اسلامی.
- ابن قولویه، ابو القاسم جعفر بن محمد (۱۳۹۸ق)، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتبویه.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۹۰م)، الصحاح فی اللغة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حاکم نیشابوری، محمد (۱۴۰۶ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف المرعشلی، بیروت: دارالمعرفه.

- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، *امل الآمل*، تحقیق احمد حسینی، بغداد: مکتبه الاندلس. همو (۱۴۰۳ق)، *الفوائد الطوسیة*، قم: المطبعة العلمية.
- همو (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- دارمی، عبد الله (۱۳۴۹ق)، *سنن الدارمی*، دمشق: انتشارات مطبعة اعتدال.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم: نشر شریف رضی.
- رجبی، محمود (۱۳۸۳)، *روش تفسیر قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۶ق)، *اصول الحديث و احكامه فی علم الدراية*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، *تدريب الراوی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، *المجازات النبویة*، قم: دارالحديث.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۸ق)، *الرعاية فی علم الدراية*، تحقیق عبد الحسین محمد علی بقال، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- صدر، سید حسن (۱۴۱۳ق)، *نهاية الدراية*، تحقیق: ماجد الغرابوی، قم: نشر مشعر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران: نشر جهان.
- همو (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۱۷ق)، *کتاب الامالی*، قم: مؤسسه بعثت.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- همو (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۶ق)، التفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.

همو (۱۴۱۲ق)، کتاب الوافی، اصفهان: انتشارات کتابخانه امیرالمؤمنین.

قطب راوندی، فضل الله (بی تا)، النوادر للراوندی، قم: دار الکتب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مدیرشانه چی، کاظم (۱۳۷۷)، درایة الحدیث، قم: انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نجفی مرعشی، شهاب الدین (۱۴۲۵ق)، سجع البلایل فی ترجمه صاحب الوسائل، مقدمه بر

إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات (از شیخ حر عاملی)، بیروت: اعلمی.